



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Legal analysis of assignment contract of life insurance

K. Mozafari

Departement of Law, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received 08 April 2024
Revised 31 July 2024
Accepted 27 August 2024

Keywords:

Assignment of contract
Insurance law
Life insurance
Secondary market

***Corresponding Author:**

Email: kh.mozafari@alzahra.ac.ir
Phone: +9821 85692886
ORCID: [0000-0003-0594-9787](https://orcid.org/0000-0003-0594-9787)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: In order to create a secondary life insurance market in which life insurance policy holders can easily sell their insurance policies, it is necessary to identify and investigate the legal bases and effects of life insurance policy assignments so as to set up the relevant rules governing this market. In this regard, this research seeks to examine the legal challenges of transferring life insurance policies from one person to another.

METHODS: Legal analysis is done using legal texts, including jurisprudence, legal books, and domestic and foreign published articles. Based on this, the working method in this article will be library, analytical, and descriptive one. In this way, the juridical and legal foundations of life insurance transfer are examined first, and then the nature of the transfer contract is studied, and finally, the effects and rulings resulting from this transfer are analyzed accordingly.

FINDINGS: Regarding the rules governing life insurance in Iran's legal system, unlike many legal systems in the world, not many laws have been approved and this part has been neglected by the legislator. This is the basis for the emergence of disagreements regarding the rulings related to this insurance. Most of the provisions related to the life insurance policy in Iran should be extracted from the general conditions of the life insurance policy and the law is silent about most of the cases.

CONCLUSION: This article shows that it is possible to transfer a life insurance policy and extract rulings governing this transfer based on the current laws and regulations in Iran's legal system using general regulations to a large extent. Based on the principle of freedom of contract transfer, it is allowed to transfer any contract that is not based on an individual. The effects of this transition are discussed in detail in the article.

DOI: [10.22056/ijir.2024.04.01](https://doi.org/10.22056/ijir.2024.04.01)





مقاله علمی

تحلیل حقوقی قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر

خدیجه مظفری

گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

چکیده:

پیشینه و اهداف: برای ایجاد بازار ثانویه بیمه عمر که طی آن دارندگان بیمه‌نامه‌های عمر به سهولت بتوانند بیمه‌نامه‌های خود را به فروش برسانند ضروری است مبانی حقوقی و آثار انتقال بیمه‌نامه عمر شناسایی و بررسی شود تا قواعد حاکم بر این بازار نیز قابل دستیابی گردد. در این راستا این تحقیق در پی آن است که چالش‌های حقوقی انتقال بیمه‌نامه عمر از یک شخص به شخص دیگر را بررسی کند.

روش‌شناسی: تحلیل حقوقی با استفاده از متون حقوقی موجود از جمله کتب فقهی، حقوقی و مقالات منتشرشده داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد. بر این اساس روش کار در این مقاله، روش کتابخانه‌ای و تحلیلی و توصیفی خواهد بود. بدین ترتیب که ابتدا مبانی فقهی و حقوقی انتقال بیمه عمر بررسی و در ادامه ماهیت قرارداد انتقال مطالعه و در نهایت آثار و احکام ناشی از این انتقال تحلیل می‌شود.

یافته‌ها: در خصوص قواعد حاکم بر بیمه عمر در نظام حقوقی ایران برخلاف بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا قوانین زیادی به تصویب نرسیده است و این بخش مورد غفلت قانون‌گذار قرار گرفته است. همین امر زمینه‌ساز بروز اختلاف نظر در خصوص احکام مربوط به این بیمه است. عمده مقررات مربوط به بیمه‌نامه عمر را در ایران باید از میان شرایط عمومی بیمه‌نامه عمر استخراج کرد و قانون در خصوص غالب موارد ساکت است.

نتیجه‌گیری: این مقاله نشان می‌دهد که امکان انتقال بیمه‌نامه عمر و استخراج احکام حاکم بر این انتقال براساس قوانین و مقررات فعلی در نظام حقوقی ایران با استفاده از مقررات عام و کلی تا حد زیادی وجود دارد. براساس اصل آزادی انتقال قرارداد، منتقل کردن هر قراردادی که قائم به شخص نباشد مجاز است. آثار ناشی از این انتقال به صورت مشروح در مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۱۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۶ شهریور ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

انتقال قرارداد

بازار ثانویه

بیمه عمر

حقوق بیمه

نویسنده مسئول:

ایمیل: kh.mozafari@alzahra.ac.ir

تلفن: +۹۸۲۱ ۸۵۶۹۲۸۸۶

ORCID: 0000-0003-0594-9787

توجه: مدت‌زمان بحث و انتقاد برای این مقاله تا ۱ ژوئیه ۲۰۲۴ در وبسایت IJIR در «نمایش مقاله» باز است.

به‌طور کلی بیمه‌های زندگی یا عمر در اشکال کلی زیر دیده می‌شوند:

۱. به شرط فوت
۲. به شرط حیات
۳. مختلط (ترکیب فوت و حیات)
۴. بیمه‌های مستمری (Hosseinipoor, 2019)

دو مورد اول نقش پوشش ریسک دارند، یعنی بیمه‌گر در ازای دریافت حق بیمه ریسک مشخصی (ریسک فوت یا ریسک طولانی شدن عمر) را پوشش می‌دهد. بیمه‌های زندگی مختلط علاوه بر کارکرد بیمه‌های بیمه‌نامه‌های به شرط فوت یا به شرط حیات، نقش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیز دارند. تمامی موارد بالا ممکن است مدت‌دار باشند یا اینکه مدت بیمه‌نامه نامحدود باشد که در این صورت به آن بیمه زندگی تمام عمر گفته می‌شود (Khandan et al., 2023).

از آنجاکه بیمه‌های زندگی در ایران از گذشته تحت عنوان بیمه عمر شناخته می‌شدند در این مقاله نیز از عبارت بیمه عمر استفاده می‌شود و بیشتر ناظر به بیمه عمر با پوشش فوت است که با فوت بیمه‌شده، بیمه‌گر موظف است سرمایه بیمه را به ذی‌نفع بیمه پرداخت کند.

کسانی که بیمه عمر تهیه می‌کنند ممکن است تمایل داشته باشند این بیمه‌نامه را در ازای دریافت مبلغی به شخصی دیگر منتقل نمایند. فروش بیمه‌نامه عمر موجود به شخص ثالث معمولاً به قیمتی بیش از ارزش خرید اولیه و کمتر از میزان پرداخت نهایی به ذی‌نفع انجام می‌شود. پس از فروش، خریدار، صاحب بیمه‌نامه شده و حق بیمه را تا سررسید آن پرداخت می‌کند. در نتیجه با فوت بیمه‌شده، مبلغ بیمه عمر به ذی‌نفع پرداخت می‌شود.

عمده‌ترین دلیلی که باعث ترغیب افراد به فروش بیمه‌نامه می‌شود نیاز به نقد کردن دارایی‌ها برای رفع نیازهای ضروری زندگی است. از سوی دیگر، وقتی که بیمه‌گذار توان پرداخت حق بیمه را ندارد، ترجیح می‌دهد آن را بفروشد و یا ممکن است بیمه‌گذار به این دلیل که نیازی به سود بیمه عمر ندارد، تصمیم بگیرد که آن را بفروشد. فوت یکی از اعضای خانواده و یا بیماری آنها نیز می‌تواند نیاز فوری به وجه نقد و در نهایت فروش بیمه‌نامه را ایجاد کند (Doherty et al., 2004). با فروش بیمه‌نامه، قرارداد بیمه به‌صورت کامل به خریدار منتقل می‌شود. هرگونه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد نیز به خریدار واگذار می‌شود. لذا خریدار تعهد به پرداخت حق بیمه پیدا می‌کند و مبلغ نهایی بیمه‌نامه را نیز دریافت می‌کند. خریدار می‌تواند یک شخص حقیقی یا حقوقی (مؤسسه سرمایه‌گذاری) نیز باشد.

در بسیاری از کشورهای دنیا، بازارهای ثانویه برای فروش بیمه عمر سال‌هاست که ایجاد شده‌اند. در عمل بیمه عمر قابل معامله از سال ۱۸۴۳ در بریتانیا وجود داشته است و بیمه کردن افراد (حتی افراد ناشناس) و واگذاری قرارداد بیمه عمر به سایرین، مدت زیادی است که در این کشور مرسوم بوده است (Pakniat and Gavam, 2021). در ایالات متحده آمریکا، فروش بیمه‌نامه طی دهه ۱۹۸۰ بسیار رایج شد، زیرا که افراد دارای بیمه عمر که به بیماری ایدز مبتلا شده

بودند، دیگر نیازی به این بیمه‌نامه احساس نمی‌کردند. این موضوع به فروش بیمه‌نامه عمر از سوی کسانی منجر شد که بیماری‌های منتهی به مرگ داشتند (Doherty and Singer, 2003). البته وقتی که امکان زندگی طولانی‌تر برای مبتلایان به ایدز فراهم شد، این نوع فروش بیمه‌نامه عمر رو به کاهش نهاد. در واقع وقتی کسی به بیماری لاعلاجی مبتلا می‌شود و طول زندگی او کوتاه می‌شود، می‌تواند بیمه عمر خود را به قیمت بالایی به شخص دیگری بفروشد و خریدار پس از مدتی و با فوت بیمه‌شده، صاحب سرمایه بیمه عمر می‌شود. در این موارد خریدار در خصوص زمان مرگ بیمه‌شده گمانه‌زنی می‌کند؛ درحالی‌که هیچ قطعیتی برای زمان مرگ او وجود ندارد. اگر بیمه‌شده، عمر طولانی‌تری داشته باشد بیمه‌نامه ارزان‌تر فروخته می‌شود؛ لیکن با پرداخت حق بیمه در طول زمان منتهی به فوت، در نهایت بازدهی آن هم کمتر خواهد بود.

بر اساس قوانین آمریکا و انگلستان خریداران بیمه‌های عمر صرفاً می‌توانند نهادهای مالی و سرمایه‌گذاران نهادی باشند، زیرا معاملات بیمه عمر حساسیت بالایی دارد و مستلزم داشتن تخصص است (Pakniat and Gavam, 2021).

با این مقدمه در خصوص انتقال بیمه‌های عمر، باید یادآور شد که فروش یا انتقال نظام‌مند بیمه‌نامه‌های عمر در ایران رایج نیست و با وجود امکان انجام این کار تاکنون بازارهای ثانویه فروش بیمه عمر در ایران شکل نگرفته است. با این وصف، چه در فرضی که این بازارها شکل بگیرند و چه در فرضی که انتقال‌های موردی بیمه‌نامه عمر بین اشخاص واقع شود، ضروری است که ماهیت حقوقی این انتقال و آثار ناشی از آن بررسی شود.

بر این اساس در این مقاله ابتدا مبانی صحت و مشروعیت انتقال بیمه عمر بررسی و در ادامه آثار ناشی از این انتقال تحلیل می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

مبانی انتقال بیمه عمر

انتقال قرارداد عبارت از حالتی است که به‌موجب آن شخص ثالثی جانشین یکی از طرفین عقد می‌شود. به بیان دیگر، در انتقال قرارداد هدف این است که موقعیت قراردادی یکی از طرفین همراه با تمامی حقوق و تعهدات ناشی از آن به شخص ثالثی منتقل شود (Moghadam, 2007).

از منظر حقوقی آنچه برای راه‌اندازی چنین سازوکاری باید مورد توجه قرار گیرد، وجود مبانی فقهی و حقوقی انتقال بیمه‌نامه عمر در مرحله نخست و سپس تعیین ماهیت واگذاری، شرایط انجام معامله و آثار ناشی از انتقال است. بر این اساس ابتدا به مبانی فقهی و حقوقی انتقال بیمه‌نامه عمر پرداخته می‌شود.

هر نهاد حقوقی برای آنکه مشروعیت کافی در یک نظام حقوقی داشته باشد، نیازمند تکیه بر مبانی پذیرفته‌شده در آن نظام حقوقی است. در ایران با توجه به ابتنای همه قوانین موجود بر اصول شرعی، در صورتی که در خصوص مشروعیت یک مسئله حقوقی تردیدی وجود داشته باشد، ابتدا به مبانی فقهی آن مسئله توجه می‌شود. موضوع

قهری باشد به طریق اولی با اراده نیز قابل انتقال است. ۳. مشروعیت انتقال موقعیت در برخی فروع فقهی نظیر انتقال موقعیت در عقد اجاره‌ای که متضمن سرفعلی است

مبانی حقوقی

پس از آنکه به اختصار در خصوص مبانی فقهی انتقال قرارداد سخن گفته شد، در ادامه به اصول و مبانی پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران که می‌تواند دستاویز مشروعیت انتقال قرارداد از جمله انتقال قرارداد بیمه عمر باشد، پرداخته می‌شود.

الف) اصل آزادی انتقال قراردادی

اصل انتقال پذیری قرارداد در نظام‌های حقوقی معاصر پذیرفته شده است. در حقوق ایران سابقه انتقال قرارداد به قدمت فقه امامیه بازمی‌گردد و از دیرباز انتقال پذیری عقودی مانند مضاربه، مساقات، مزارعه و وکالت مورد اجماع فقها بوده است. در دوره متأخر قانون‌گذار ایران با الهام از قوانین کشورهای اروپایی انتقال قرارداد بیمه به تبع انتقال موضوع آن و انتقال قرارداد کار ناشی از تغییر کارفرما را مقرر داشته است (Taleghani, 2015).

در حال حاضر هنگام مطالعه قواعد عمومی قراردادهای همواره اصل انتقال پذیری قراردادهای به‌عنوان یکی از اصول مسلم مورد پذیرش قرار می‌گیرد و می‌توان گفت قاعده‌ای عمومی است که بر مبنای آن هر نوع قراردادی قابلیت نقل و انتقال دارد، مگر در موارد استثنایی مانند انتقال حقوق شخصی یا ممنوعیت انتقال از سوی طرف قرارداد به‌عنوان شرط ضمن عقد.

در واقع دامنه انتقال قرارداد از دو جهت با محدودیت مواجه می‌شود. نخست آنکه در عقود غیرمالي مانند نکاح این امر امکان‌پذیر نیست و در عقود مالی که قانوناً مباشرت متعهد در اجرای قرارداد شرط است نیز چنین امری امکان‌پذیر نخواهد بود (Moghadam, 2007).

ب) جواز انتقال معامله در مضاربه، مزارعه، اجاره و ... فقها و حقوق‌دانان در بسیاری از عقود به‌طور خاص به امکان انتقال قرارداد تصریح کرده‌اند. قراردادهایی همچون مزارعه، مضاربه، اجاره، بیع، وکالت و ... از جمله این عقود هستند.

ج) انتقال حقوق و تعهدات قراردادی بعد از فوت

این قاعده در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است که هرگاه شخصی فوت کند همه حقوق و تعهدات قراردادی او به ورثه منتقل می‌شود، مگر اینکه قراردادهای شخصی باشند؛ نظیر تعهد متوفی که نقاشی زبردست بوده به کشیدن یک تابلو.

منابع انتقال بیمه‌نامه عمر

پس از آنکه مبانی مشروعیت انتقال قرارداد بیمه عمر شناسایی شد باید قوانین و مقرراتی بررسی شود که این نوع از انتقال را اجازه می‌دهند. به این قوانین و مقررات در اصطلاح، منابع قانونی گفته می‌شود.

انتقال بیمه‌نامه عمر در واقع یکی از انواع انتقال قرارداد محسوب می‌شود. از آنجاکه انتقال قرارداد از جهاتی در فقه محل تردید و سؤال بوده است برای پرداختن به انتقال بیمه‌نامه عمر، لازم است ابتدا مشروعیت فقهی انتقال قرارداد به‌صورت کلی بررسی شود.

مبانی فقهی

شایان ذکر است که در خصوص مشروعیت قرارداد بیمه عمر دیدگاه‌های مختلفی میان فقها وجود دارد (Mirzakhani, 2022). که این مقاله در پی پرداختن به آنها نیست، زیرا با وجود نصوص قانونی موجود و رویه عملی شرکت‌های بیمه و دادگاه‌های ایران روشن می‌شود که قرارداد بیمه عمر به‌عنوان یک قرارداد معتبر و مشروع در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است، لیکن در خصوص انتقال قرارداد بیمه عمر ممکن است برخی ابهامات فقهی و حقوقی مطرح باشد که در این مقاله مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

آنچه از بررسی قوانین موجود در ایران در وهله اول مشخص می‌شود این است که باب مستقلی تحت عنوان انتقال حقوق و تعهدات قراردادی یا انتقال قرارداد پیش‌بینی نشده است، اما قطعاً این به‌معنای عدم پذیرش نهاد مزبور در نظام قانون‌گذاری ما نخواهد بود؛ بلکه در موارد متعددی مستقیماً یا به‌صورت غیرمستقیم در خصوص این نهاد، مقرراتی وضع شده است. در مباحث فقهی نیز فقهای عظیم‌الشأن شیعه، باب مستقلی در انتقال یا واگذاری قرارداد اختصاص نداده‌اند، اما در قالب عقود مضاربه، مزارعه، اجاره و مانند آنها در خصوص این نهاد اظهارنظر کرده‌اند، به‌نحوی که از محتوای کلام آنان می‌توان برداشت کرد که این نهاد مختص عقود موصوف نیست، بلکه می‌توان آن را جزء قواعد عمومی قراردادهای تلقی کرد؛ لذا مبانی بحث را باید بیشتر در کلام فقها بررسی کرد (Ansariniasab et al., 2019).

بنابراین می‌توان گفت برای صحت و مشروعیت انتقال قرارداد در فقه، دو نوع مبنا می‌توان جست‌وجو کرد. مبانی عمومی که در خصوص همه قراردادهای از جمله قرارداد انتقال قابل استناد هستند و دسته دیگر مبانی اختصاصی که به‌طور خاص، انتقال قرارداد را جایز می‌دانند.

دلایلی که می‌توان در خصوص جواز انتقال عقد به‌صورت کلی به آنها استناد کرد، عبارت‌اند از (Izanolou et al., 2012):

۱. آیه شریفه اوفوا بالعقود که عموم آن قرارداد انتقال عقد را نیز شامل می‌شود.

۲. آیه شریفه تجاره عن تراض منکم که تمام معاملات و اسباب مشروع تحصیل مال را مجاز می‌داند.

۳. آیه شریفه احل الله البیع و روایت الناس مسلطون علی اموالهم، قاعده صحت و قاعده جواز نیز می‌تواند مستند جواز فقهی مشروعیت انتقال قرارداد واقع شود

دلایلی که به‌صورت اختصاصی می‌توان در خصوص صحت انتقال قرارداد به آنها استناد کرد، به شرح ذیل است:

۱. امکان درج شرط قراردادی مبنی بر انتقال قرارداد در صورت فوت، جنون و سفه به شخص معین

۲. انتقال قهری عقد به ورثه: از آنجاکه هرچه قابل نقل و انتقال

ماده ۷۱ قانون بیمه

این ماده در ادامه به برخی از آثار ناشی از این انتقال نیز اشاره می‌کند که ذیل عنوان آثار قرارداد انتقال بیمه عمر بررسی خواهد شد. پس از آنکه مشروعیت و اعتبار انتقال بیمه‌نامه عمر در نظام حقوقی ایران با توجه به مبانی فقهی حقوقی و وجود منابع قانونی در این زمینه تأیید شد، در ادامه باید روشن شود که قراردادی که بر اثر آن بیمه عمر از بیمه‌گذار به ثالث منتقل می‌شود چه ماهیتی دارد و پس از انجام این انتقال، چه آثاری بر آن مترتب می‌شود.

ماهیت قرارداد انتقال بیمه عمر

شناسایی ماهیت یک نهاد حقوقی از جهات مختلف حائز اهمیت است. از آنجاکه قالب‌های شناخته‌شده حقوقی، احکام و مقررات خاص خود را دارند، در صورت تطبیق یک نهاد کمتر شناخته‌شده با هریک از قالب‌ها می‌توان به سهولت مقررات حاکم بر آن را نیز مشخص کرد. در واقع، نظام حقوقی در پذیرش یک نهاد جدید در قالبی شناخته‌شده، مقاومت کمتری نشان می‌دهد؛ بنابراین شناسایی ماهیت قرارداد انتقال بیمه عمر، نخستین گام در شناسایی قواعد و مقررات حاکم بر آن است.

از آنجاکه انتقال حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه عمر در قالب یک «قرارداد» صورت می‌پذیرد ابتدا باید بررسی شود که آیا این قرارداد می‌تواند با یکی از قراردادهای شناخته‌شده در قانون مدنی تطبیق داده شود یا خیر. به بیان دیگر، آیا انتقال قرارداد بیمه عمر یک عقد معین است؟

بنیان قرارداد بر همسویی منافع متقابل هریک از طرفین استوار است. البته قرارداد دارای منافع ویژه و متمایز از منافع هریک از متعاقدين نیز هست و بعضاً موجودیتی مستقل می‌یابد. فراتر از قلمرو توافق و تراضی متعاقدين، قرارداد خود واجد نفع مالی و فواید اجتماعی و اقتصادی است. در این راستا قرارداد ارزش مالی پیدا می‌کند و به مثابه یک سرمایه موضوع معامله واقع می‌شود (Taleghani, 2015).

این امر به‌ویژه در خصوص بیمه عمر مصداق می‌یابد و در عمل دارنده بیمه‌نامه ارزش اقتصادی بیمه را به دیگری انتقال می‌دهد، زیرا تصور می‌رود بیمه‌نامه یک مال دارای ارزش است که در ازای آن بهایی پرداخته می‌شود. لذا عبارت فروش بیمه‌نامه کاربرد پیدا می‌کند، اما آیا واگذاری قرارداد بیمه عمر با مشخصات عقد بیع تطابق دارد؟

در پاسخ باید گفت که اگرچه در عرف، عبارت فروش بیمه‌نامه عمر ممکن است به کار گرفته شود، اما تعریف بیع در نظام حقوقی ایران با انتقال حقوق و تعهدات قراردادی تطبیق ندارد. از آنجاکه موضوع عقد بیع بر اساس ماده ۳۳۸ قانون مدنی انتقال مالکیت عین است، پس انتقال حقوق و تعهدات قراردادی نمی‌تواند موضوع عقد بیع قرار گیرد؛ یعنی قرارداد قابل خرید و فروش نیست.

در متون قانونی نیز نمی‌توان عقدی را یافت که با عنوان خاص انتقال و جابه‌جایی ارادی، حقوق و تعهدات آن را منتقل کند و با این مقتضا در قانون تعریف شده باشد. به عبارت دیگر واگذاری یا انتقال

این ماده مقرر داشته است: «در صورت فوت بیمه‌گذار یا انتقال موضوع بیمه به دیگری اگر ورثه یا منتقل‌الیه کلیه تعهداتی را که به‌موجب قرارداد به عهده بیمه‌گذار بوده است در مقابل بیمه‌گر اجرا کند عقد بیمه به نفع ورثه یا منتقل‌الیه به اعتبار خود باقی می‌ماند؛ مع‌هذا هریک از بیمه‌گر یا ورثه یا منتقل‌الیه حق فسخ آن را نیز خواهند داشت. بیمه‌گر حق دارد در ظرف سه ماه از تاریخی که منتقل‌الیه قطعی موضوع بیمه تقاضای تبدیل بیمه‌نامه را به نام خود می‌نماید عقد بیمه را فسخ کند.

در صورت انتقال موضوع بیمه به دیگری ناقل مسئول کلیه اقساط عقب‌افتاده وجه بیمه در مقابل بیمه‌گر خواهد بود. لیکن از تاریخی که انتقال را به بیمه‌گر به‌موجب نامه سفارشی یا اظهارنامه اطلاع می‌دهد نسبت به اقساطی که از تاریخ اطلاع به بعد باید پرداخته شود مسئول نخواهد بود.

اگر ورثه یا منتقل‌الیه متعدد باشند هریک از آنها نسبت به تمام وجه بیمه در مقابل بیمه‌گر مسئول خواهد بود».

ماده ۱۷ قانون بیمه یکی از مهم‌ترین نصوصی است که موضوع امکان انتقال بیمه‌نامه را به‌صورت کلی مطرح می‌کند. البته این ماده علاوه بر صدور جواز کلی انتقال قرارداد بیمه، برخی احکام و قواعد حاکم بر این انتقال را نیز بیان می‌دارد که در بخش بررسی آثار قرارداد انتقال بیمه، بررسی خواهد شد.

ماده ۵۲ قانون بیمه

بر اساس ماده ۲۵ قانون بیمه، بیمه‌گذار حق دارد ذی‌نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد، مگر آنکه آن را به دیگری انتقال داده و بیمه‌نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد. این ماده نیز بر امکان انتقال قرارداد بیمه، تصریح دارد.

ماده ۶۲ قانون بیمه

در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار حق دارد وجه معینه در بیمه‌نامه را به دیگری منتقل نماید، انتقال مزبور باید به امضای انتقال‌دهنده و بیمه‌گر برسد.

شرایط عمومی بیمه‌نامه عمر

از آنجاکه نصوص قانونی بیشتری در خصوص انتقال قرارداد بیمه و به‌خصوص بیمه عمر وجود ندارد، می‌توان شرایط عمومی بیمه‌نامه‌های عمر را نیز از جمله منابعی به شمار آورد که در این رابطه قابل استناد و استفاده است. با توجه به وجود تفاوت‌هایی میان شرایط عمومی بیمه‌های عمر ارائه‌شده از سوی شرکت‌های مختلف بیمه‌ای، در این نوشتار به ماده ۸ شرایط عمومی بیمه عمر شرکت بیمه ایران اشاره می‌شود که مقرر داشته است:

«این بیمه‌نامه را به‌وسیله هریک از وسایل قانونی می‌توان به دیگری منتقل نمود ولی انتقال مزبور باید با موافقت کتبی بیمه‌شده و بیمه‌گر باشد».

در این قرارداد نیز وجود دارد، اما به صورت کلی از آنجا که قرارداد بیمه عمر عمدتاً از سوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری خریداری می‌شود امکان اسقاط این حقوق نیز وجود دارد و پیشنهاد می‌شود در قرارداد انتقال این موارد مورد توجه قرار گیرد و به آن تصریح شود.

ب) معوض بودن

اگرچه می‌توان تصور کرد که بیمه‌گذار به صورت رایگان حقوق و تعهدات خود در قرارداد بیمه عمر را به دیگری واگذار کند و در صورت توافق طرفین منعی برای آن وجود ندارد، اما غالباً این واگذاری به صورت معوض صورت می‌پذیرد. تخمین ارزش قرارداد بیمه عمر، با پیش‌بینی بهای قرارداد با توجه به عواملی نظیر طول عمر احتمالی بیمه‌شده انجام می‌شود و کارشناسان متخصص در این حوزه به صاحبان بیمه‌نامه مشاوره می‌دهند. مهم‌ترین اثر معوض بودن یک قرارداد آن است که تعهدات قراردادی با یکدیگر وابستگی و تقابل دارند و در صورت عدم انجام تعهد از سوی یک طرف همانند عدم پرداخت وجه مورد توافق، طرف دیگر نیز می‌تواند از انجام تعهد خود خودداری کند، مثلاً تعهد به واگذاری بیمه‌نامه را ایفا نکند.

ج) رضایی بودن

در نظام حقوقی ایران، اصل بر رضایی بودن عقد است و به صرف ایجاب و قبول، عقد واقع می‌شود. از آنجا که در متون قانونی، دلیلی بر لزوم قبض در قرارداد انتقال بیمه عمر دیده نمی‌شود، لذا این قرارداد نیز رضایی بوده و به تشریفات خاصی برای وقوع نیاز ندارد. البته در شرایط عمومی برخی بیمه‌نامه‌های عمر به لزوم انتقال به صورت کتبی تصریح شده است^۲ اما به نظر نمی‌رسد شرایط عمومی یک بیمه‌نامه بتواند ارکان اساسی وقوع یک عقد را معین کند و این دسته از تشریفات صرفاً برای امکان اثبات وقوع انتقال پیش‌بینی می‌شود، لذا انتقال بیمه عمر عقدی تشریفاتی و نیازمند شرطی مانند کتبی بودن نیست.

تشکیل قرارداد انتقال بیمه عمر

هر قرارداد از جمله قرارداد انتقال بیمه‌نامه باید از شرایط قانونی مربوط به اعلام اراده، اهلیت طرفین، موضوع معامله و جهت معامله برخوردار باشد تا نزد قانون و محاکم دارای اعتبار تلقی شود. علاوه بر این شرایط عمومی، در این قرارداد خاص برخی شرایط اختصاصی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. لذا در ادامه شرایط عمومی به اختصار و شرایط اختصاصی به تفصیل بررسی خواهد شد.

شرایط عمومی

الف) قصد و رضای طرفین

دو طرف قرارداد انتقال بیمه عمر، بیمه‌گذار و منتقل‌الیه هستند و با اعلام اراده این دو شخص، قرارداد منعقد می‌شود. در غالب موارد، منتقل‌الیه یک شخص حقوقی است که اعلام اراده او توسط نمایندگان دارای اختیار صورت می‌پذیرد. بر این اساس قرارداد

قرارداد یا همان انتقال حقوق و تعهدات قراردادی نمی‌تواند در حقوق ما عقدی معین تلقی شود؛ از طرفی لزومی ندارد که به هر قیمت آن را در قالب یکی از عقود معین بگنجانیم؛ لذا عقدی که برای انتقال حقوق و تعهدات قراردادی منعقد می‌شود می‌تواند در قالب عقد نامعین منعقد شود (Ansarinasab et al., 2019).

انتقال حقوق و تعهدات قراردادی در قالب عقد صلح نیز مطرح شده است. گاه در عمل نیز این انتقال در قالب صلح انجام می‌شود. دلیل این امر، قرابت عقد صلح به عقد نامعین است، چنان که بعضی معتقدند عقد صلح عقد معین نیست. در واقع صلح قالبی حقوقی است که هر محتوایی را می‌توان در آن جای داد و از این حیث بیشتر از آنکه شبیه عقود معین باشد به عنوان راهکاری برای برون‌رفت از دشواری‌های انعقاد عقود معین نگریده می‌شود.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی حقوق‌دانان اشاره کرده‌اند عقد صلح، مقتضای خاص و ویژه‌ای ندارد و این امر باعث می‌شود به صرف اینکه صلح در قانون مدنی در کنار سایر عقود معین با نام ویژه آمده، عقد معین تلقی نشود. اینکه صلح در مباحث فقهی با یک مقتضای گسترده مطرح شده است، برای پر کردن جای خالی نامعین (قواعد عمومی قراردادها) در مباحث فقهی بوده است که با همان شرایط وارد قانون مدنی شده است؛ به عبارت دیگر صلح، قالب فقهی ماده ۱۰ قانون مدنی و عقود نامعین است، زیرا ماهیت عقود نامعین صرف توافق است و در تقسیم‌بندی عقود، تراضی و توافق محض موضوع اصلی عقود نامعین است (Ansarinasab et al., 2019).

در عین حال برخی نویسندگان بر این عقیده‌اند که براساس استفتاء از مراجع تقلید و نظرسنجی انجام‌شده از خبرگان استفاده از عنوان فروش بیمه عمر صحیح و مشروع است (Pakniat and Gavam, 2021). در نتیجه می‌توان گفت از آنجا که موضوع قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر با هیچ‌یک از عقود معین مذکور در قانون مدنی تطبیق ندارد، این قرارداد را می‌توان در قالب عقد صلح منعقد کرد، اما انعقاد آن تحت عنوان یک قرارداد مستقل و در ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی و بدون نام‌گذاری خاص نیز هیچ منع قانونی ندارد و می‌تواند به درستی و وفق مقررات صورت پذیرد.

مشخصات قرارداد انتقال بیمه عمر

پذیرش قرارداد انتقال بیمه عمر در یک قالب حقوقی مستقل بدین معنا نیست که ویژگی‌ها و مشخصات آن تماماً توسط طرفین تعیین می‌شود و قواعد خاصی بر آن حاکم نیست. این قرارداد نیز به مقتضای ویژگی‌های خاص قرارداد اولیه و نیز اراده طرفین مبنی بر انتقال آن مشخصاتی به شرح آتی خواهد داشت:

الف) لزوم عقد

قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر یک عقد لازم است. پس از آنکه انتقال واقع شد هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند آن را بر هم زند. این قرارداد با فوت یا محجور شدن هریک از طرفین نیز از بین نمی‌رود. علی‌الاطلاق می‌توان گفت که امکان اقاله عقد و فسخ در موارد قانونی

خود از انعقاد قرارداد وارد متن قرارداد نمی‌کنند ابرادی متوجه قرارداد نخواهد شد. اگرچه ممکن است نفس این موضوع که دریافت وجه بیمه وابسته به فوت بیمه‌شده است تا حدی غیراخلاقی جلوه کند، به‌ویژه وقتی دریافت‌کننده وجه و بیمه‌شده قرابتی با یکدیگر ندارند و ممکن است منتقل‌الیه در انتظار فوت بیمه‌شده باشد، لیکن این مسئله نمی‌تواند اصل قرارداد انتقال بیمه‌نامه را با تردید مواجه کند.

شرایط اختصاصی

الف) لزوم رضایت طرف دیگر عقد (بیمه‌گر)

یکی از شرایطی که معمولاً برای انتقال قرارداد مورد توجه قرار می‌گیرد و از بیان فقها و ظاهر برخی مقررات قانون مدنی، استنباط شده است، لزوم رضایت طرف دیگر عقد است. بر این اساس اگر بیمه‌گذار بخواهد بیمه‌نامه عمر خود را به دیگری منتقل کند باید رضایت بیمه‌گر را جلب کند.

منشأ انتقال قرارداد، توافق انشا ناقل و منتقل‌الیه است. قصد ناقل خروج از قلمرو قراردادی و ختم رابطه وی با منتقل‌عنه و قصد منتقل‌الیه تحصیل موقعیت ناقل برای استمرار رابطه قراردادی با منتقل‌عنه است. تأثیر و کارایی انتقال قرارداد به قابلیت استناد آن به منتقل‌عنه بستگی تام دارد. قائم‌مقامی منتقل‌الیه می‌بایست که مقبول منتقل‌عنه واقع شود، در غیر این صورت رابطه قراردادی نخستین با ناقل به قوت خود باقی می‌ماند. بنابراین اذن و رضای منتقل‌عنه شرط لازم برای نیل به انتقال قرارداد است (Taleghani, 2015).

در خصوص ضرورت این رضایت، گفته شده است که امکان انتقال عقد بدون رضایت طرف دیگر دارای دو ایراد اساسی است. نخست آنکه اصل آزادی طرف را در انتخاب طرف مقابل خود که یکی از نتایج اصل آزادی قراردادی در مرحله انعقاد عقد است، مخدوش می‌سازد و ناخواسته او را با شخص ثالثی روبه‌رو می‌کند. دیگر اینکه طرف عقد ممکن است در برابر طرف دیگر تعهداتی را به‌موجب عقد به عهده گرفته باشد. آزادی متعهد در انتقال قرارداد و جایگزین کردن دیگری به‌جای خود، علاوه‌براینکه مستلزم تغییر در ارکان عقد است، ممکن است متعهدله را با شخصی مواجه کند که از نظر قدرت بر اجرای تعهد، قابل مقایسه با متعهد نباشد و در نتیجه راه را برای سوءاستفاده طرف عقد فراهم سازد (Izanlou et al., 2012).

اما حتی قائلین به ضرورت رضایت طرف عقد نیز، این رضایت را از ارکان ضروری تشکیل عقد نمی‌دانند و برای تشکیل قرارداد انتقال، همان ایجاب و قبول دو طرف یعنی انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده کفایت می‌کند:

در مواردی که رضای طرف اصلی عقد برای انتقال عقد لازم است، در اینکه آیا رضای وی، او را رکن سوم تشکیل عقد قرار می‌دهد یا اجازه او صرفاً یک اذن ساده تلقی می‌شود، فقها معتقدند رضای طرف اصلی عقد در حد یک اذن ساده تلقی می‌شود (Izanlou et al., 2012).

حتی از این پیش‌تر نیز می‌توان رفت و در برخی قراردادهای اصل لزوم رضایت طرف قرارداد را منتفی دانست، زیرا قرارداد بر شالوده توافق و تراضی طرفین پی‌ریزی شده است و انتقال آنکه به قائم‌مقامی

انتقال بیمه‌نامه دو طرف دارد که شامل انتقال‌دهنده (بیمه‌گذار) و منتقل‌الیه (بیمه‌گذار جدید) می‌شود. بیمه‌گر نقشی در این فرایند ندارد. بیمه‌گر طرف قرارداد بیمه عمر است، اما در قرارداد انتقال بیمه عمر، طرف قرارداد نیست. در واقع اثر قرارداد انتقال این خواهد بود که بیمه‌گذار جدید طرف قرارداد بیمه‌گر شود. اگر بیمه‌گر را در انتقال قرارداد دخالت دهیم و رضایت او را برای انتقال بیمه‌نامه شرط بدانیم شرطی اضافه کرده‌ایم که برخلاف قواعد عمومی است و برای افزودن آن نیازمند دلیل هستیم. این کار با هدف تسهیل و تسریع انتقال بیمه‌نامه هم منافات دارد. درعین‌حال در بحث شرایط اختصاصی به‌صورت مفصل‌تر در خصوص لزوم یا عدم لزوم رضایت بیمه‌گر بحث شده است.

ب) اهلیت

بیمه‌گذار، در انعقاد قرارداد بیمه عمر، قطعاً دارای اهلیت بوده است که توانسته این بیمه را اخذ کند، لذا اگر محجور نشده باشد برای انتقال قرارداد نیز اهلیت دارد. منتقل‌الیه نیز در صورتی که شخص حقیقی باشد باید بالغ، عاقل و رشید باشد. در صورتی که شخص حقوقی، منتقل‌الیه قرارداد باشد لازم است مجوزهای قانونی برای انجام چنین فعالیتی را دارا باشد. مثلاً یک شرکت معتبر باشد که طبق مقررات قانون تجارت به ثبت رسیده است.

ج) موضوع معامله

یکی از ایرادهایی که ممکن است به قرارداد انتقال گرفته شود به موضوع این قرارداد بازمی‌گردد. همان‌طور که گفته شد موضوع این قرارداد، انتقال همه حقوق و تعهدات قراردادی است، اما میزان دقیق این حقوق و تعهدات مشخص نیست و ممکن است با توجه به طول عمر بیمه‌شده این مقادیر متفاوت باشد. معلوم و معین نبودن موضوع معامله نیز یکی از ایرادهایی است که موجب بطلان معامله خواهد شد. در پاسخ باید گفت که امروزه پذیرفته شده است که عقود مبتنی بر احتمال نیز با تعیین معیارها و ضوابطی عقود صحیحی تلقی شوند. عقد بیمه به‌خودی‌خود مبتنی بر همین احتمالات است و غالب فقهای امامیه و حقوق‌دانان تردیدی در صحت آن ندارند؛ بنابراین انتقال این حقوق احتمالی نیز می‌توان صحیح باشد. از سوی دیگر تردیدی نیست که بیمه‌شده در هر صورت از دنیا خواهد رفت و منتقل‌الیه در نهایت وجه بیمه را دریافت خواهد کرد. لذا تنها زمان دریافت این وجه و میزان آن، آن هم در محدوده مشخصی نامعین است که می‌توان با مسامحه با آن برخورد کرد و چنین قراردادی را صحیح دانست. به‌ویژه اگر از قالب عقد صلح برای انعقاد این قرارداد استفاده شود این ایراد دیگر قابل طرح نیز نخواهد بود، چراکه علم اجمالی در عقد صلح کفایت می‌کند.

د) مشروعیت جهت معامله

جهت معامله در صورتی موضوعیت پیدا می‌کند که صراحتاً در قرارداد به آن اشاره شود. لذا از آنجاکه به‌صورت معمول افراد انگیزه

شخص هستند، لذا وقتی بیمه‌گذار اقدام به انتقال بیمه‌نامه می‌کند، رضایت بیمه‌شده نیز محقق است و ایرادی را ایجاد نمی‌کند. در برخی دیگر از قراردادهای بیمه عمر، بیمه‌گذار با بیمه‌شده متفاوت است. در این قراردادها براساس رویه موجود در شرکت‌های بیمه، بیمه‌شده نیز باید رضایت خود را برای انعقاد قرارداد اعلام کند. لزوم این رضایت از ماده ۸ شرایط عمومی بیمه‌نامه عمر شرکت بیمه ایران نیز روشن می‌شود، زیرا اگر برای انتقال بیمه‌نامه رضایت بیمه‌شده، ضروری باشد به طریق اولی برای اخذ بیمه‌نامه اولیه نیز رضایت او ضروری است.

در این حال به نظر می‌رسد که رضایت مذکور یکی از ارکان اساسی قرارداد محسوب نمی‌شود. قرارداد بیمه عمر بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود و بیمه‌شده، صرفاً معیاری برای تعیین مزایای بیمه‌نامه به دست می‌دهد. او تعهدی به موجب قرارداد نمی‌کند و مزیتی نیز به دست نمی‌آورد. در این حالت او طرف قرارداد نیست، لیکن رضایت او بر انعقاد عقد مؤثر است. در نتیجه اگر از وجود قرارداد بیمه عمر مطلع شود و خواهان فسخ آن شود، باید این حق را برای او قائل بود، زیرا ممکن است وابستگی منفعت دیگران به حیات بیمه‌شده او را در معرض تهدید قرار دهد. در واقع بیمه‌گذار باید به حیات بیمه‌شده علاقه‌مند و خواهان ادامه آن باشد. در خصوص بیمه کردن خویشاوندان، می‌توان فرضی قانونی قائل شد که براساس آن معمولاً میان فرد و خویشاوندان نزدیکش چنان عشق و محبتی وجود دارد که مانع قتل بیمه‌شده توسط بیمه‌گذار است (Mohammadi et al., 2018).

به بیان دیگر در روابط نزدیک و خانوادگی نفع قابل بیمه حتماً وجود دارد و مدعی خلاف وجود این نفع باید آن را اعلام کند، اما در خصوص اشخاص ثالث غیر از خانواده چنین فرضی وجود ندارد. بدیهی است در صورتی که قرارداد بیمه عمر، تعهدی برای بیمه‌شده مانند لزوم انجام معاینات پزشکی و ... ایجاد کند، رضایت او ضروری است. در نتیجه می‌توان گفت با توجه به استدلال یادشده و از آنجاکه قانون بیمه در ماده ۲۵ و ۲۶ به انتقال بیمه‌نامه بدون افزودن قید رضایت بیمه‌شده اشاره کرده است، برای انتقال بیمه‌نامه عمر، رضایت بیمه‌شده شرط نیست. ضمن آنکه برای حفظ حقوق بیمه‌شده، به‌ویژه در فرایند انتقال نظام‌مند بیمه‌نامه عمر، می‌توان راهکارهایی چون مخفی کردن هویت بیمه‌شده از منتقل‌الیه را در نظر گرفت. در واقع منتقل‌الیه بیمه عمر برای اتخاذ تصمیم خرید یک بیمه‌نامه نیازی به اطلاع از هویت بیمه‌شده ندارد و صرف دسترسی به اطلاعات مربوط به سلامت، سن و جنس و ... می‌تواند برای تصمیم‌گیری کافی باشد.

ج) نقش ذی‌نفع بیمه عمر در قرارداد

در بسیاری از قراردادهای بیمه عمر، بیمه‌گذار شخصی را به‌عنوان ذی‌نفع بیمه عمر تعیین می‌کند. ساختار حقوقی چنین حقی برای ثالث یادآور نهاد تعهد به نفع ثالث است که براساس آن طی قراردادی میان دو شخص، تعهدی به نفع ثالثی می‌شود و متعهد وظیفه دارد آن تعهد را به سود ثالث ایفا کند. بیمه‌گر نیز موظف است در قراردادی مانند بیمه عمر با پوشش فوت، در صورت فوت بیمه‌شده، مبلغی را که تعهد کرده است به ذی‌نفع بیمه بپردازد.

یکی از طرفین منجر می‌شود صرفاً با تراضی طرف دیگر قرارداد، نافذ و معتبر خواهد بود. اما انتقال قرارداد به اقتضای انتقال سرمایه اصول و مبانی تعهدات قراردادی را به چالش می‌کشد و حاکمیت منافع و مصالح برتر اقتصادی بر حاکمیت اراده قراردادی خدشه وارد می‌آورد. ضروریات و مقتضیات اقتصادی انتقال قرارداد ایجاد می‌کنند که بعضاً لزوم جلب رضایت طرف قرارداد _ منتقل‌عنه _ کنار گذاشته شود (Taleghani, 2015).

در واقع هرگاه قرارداد به‌خودی‌خود واجد ارزش شده و یک سرمایه تلقی شود، می‌توان در لزوم کسب رضایت طرف دیگر عقد تردید جدی وارد آورد. چنان‌که افراد برای انتقال اموال خود از کسی کسب اجازه نمی‌کنند.

شایان‌ذکر است که ماده ۲۶ قانون بیمه، مقرر داشته است: «در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار حق دارد وجه معینه در بیمه‌نامه را به دیگری منتقل نماید انتقال مزبور باید به امضای انتقال‌دهنده و بیمه‌گر برسد».

اگرچه نحوه نگارش ماده به‌نحوی نیست که امضای بیمه‌گر را در اصل انتقال ضروری بداند، به نظر می‌رسد بیشتر اطلاع بیمه‌گر از انتقال مدنظر قانون‌گذار بوده است.

این در حالی است که ماده ۸ شرایط عمومی بیمه‌نامه عمر شرکت بیمه ایران بیان می‌دارد که این بیمه‌نامه را به‌وسیله هر یک از وسایل قانونی می‌توان به دیگری منتقل کرد، ولی انتقال مزبور باید با موافقت کتبی بیمه‌شده و بیمه‌گر باشد.

در این ماده علاوه بر موافقت کتبی بیمه‌گر که لزوم اذن بیمه‌گر را ضروری می‌کند، به موافقت کتبی بیمه‌شده نیز اشاره شده است که چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، چراکه بیمه‌گذار و بیمه‌شده ممکن است متفاوت باشند و روشن است که بیمه‌شده نقشی در قرارداد بیمه ندارد. ظاهراً نظر این ماده به مورد غالب بوده است که بیمه‌گذار و بیمه‌شده یک نفر هستند، زیرا در ادامه این ماده مقرر داشته است اگر بیمه‌گذار و بیمه‌شده دو نفر باشند در صورت فوت بیمه‌گذار یا انتقال بیمه به دیگری چنانچه ورثه یا منتقل‌الیه تمامی تعهداتی را که به موجب قرارداد بیمه به عهده بیمه‌گذار بوده است در مقابل بیمه‌گر اجرا کنند، قرارداد بیمه به نفع ورثه یا منتقل‌الیه به اعتبار خود باقی می‌ماند، مع‌هذا ورثه و یا منتقل‌الیه حق فسخ قرارداد را طبق شرایط عمومی این بیمه‌نامه خواهد داشت. همین امر نشان می‌دهد که منظور از بیمه‌شده در بخش نخست ماده نیز همان بیمه‌گذار بوده است.

باین‌وصف در حال حاضر در نهایت حتی اگر رعایت این شرط ضروری باشد، می‌توان در قرارداد بیمه عمر از ابتدا شرط کرد که امکان انتقال بیمه‌نامه بنا به صلاحدید و اختیار بیمه‌گذار وجود دارد و در واقع اذن کلی انتقال را در همان قرارداد اولیه درج کرد تا دیگر در انتقال‌های پیاپی نیز نیازی به کسب اجازه از بیمه‌گر نباشد.

ب) لزوم رضایت بیمه‌شده

در بسیاری از قراردادهای بیمه عمر، بیمه‌شده و بیمه‌گذار یک

حقوق ناشی از قرارداد به او منتقل می‌شود و هر تعهدی که در قرارداد وجود دارد به عهده او قرار می‌گیرد. بر این اساس در انتقال بیمه‌نامه عمر نیز تعهد پرداخت حق بیمه به عهده منتقل‌الیه خواهد بود و حق دریافت وجه بیمه نیز به او تعلق خواهد گرفت.

الف) حق دریافت مزایای بیمه‌نامه عمر

مهم‌ترین حقی که در قرارداد بیمه عمر وجود دارد منتفع شدن از مزایای بیمه‌نامه عمر پس از تحقق شرایط مقرر در بیمه‌نامه است. این حق بر اثر انتقال قرارداد بیمه عمر به منتقل‌الیه که شخصی حقیقی یا حقوقی است واگذار می‌شود. همان‌طور که پیش از این گفته شد اگرچه این حق در آینده محقق می‌شود، اما در خصوص انتقال آن تردیدی وجود ندارد.

تمامی حقوق ناشی از عقد اعم از حقوق موجود و آتی به منتقل‌الیه منتقل می‌شود؛ بنابراین اگر عقد معتبری متضمن حقوق آتی باشد با انتقال عقد حقوق آتی نیز به انتقال‌گیرنده تعلق خواهد گرفت.

گفتنی است در زمان انتقال حقوق و تعهدات قراردادی برخی حقوق اصلاً وجود ندارند و بعداً به وجود می‌آیند، حق آتی یا حق مستقبل یا حق احتمالی حقی است که وجود فعلی ندارد و در واقع حقی است که احتمال دارد در آینده موجود شود و هنگام تحقق نیز اثر قهقرایی نخواهد داشت، بلکه ناقل خواهد بود. مثلاً در زمان انتقال قرارداد، انتقال‌دهنده و به تبع آن انتقال‌گیرنده در فسخ قرارداد هیچ حقی ندارند، اما بعد از انتقال و در اثنای اجرای تعهدات قراردادی، به لحاظ تخلف از وصف طرف دیگر عقد، برای طرف مقابل او حق فسخ قرارداد ایجاد می‌شود که متعلق به انتقال‌گیرنده است (Ansarinasab et al., 2019).

ب) حق فسخ

حق فسخ تابعی از قرارداد است و با انتقال قرارداد، حق فسخ موجود در قرارداد هم به منتقل‌الیه واگذار می‌شود. براساس ماده ۸ شرایط عمومی بیمه عمر اگر بیمه‌گذار و بیمه‌شده دو نفر باشند در صورت فوت بیمه‌گذار یا انتقال بیمه به دیگری چنانچه ورثه یا منتقل‌الیه تمامی تعهداتی را که به موجب قرارداد بیمه به عهده بیمه‌گذار بوده است در مقابل بیمه‌گر اجرا کنند، قرارداد بیمه به نفع ورثه یا منتقل‌الیه به اعتبار خود باقی می‌ماند، مع‌هذا ورثه و یا منتقل‌الیه حق فسخ قرارداد را طبق شرایط عمومی این بیمه‌نامه خواهد داشت. ملاحظه می‌شود که این ماده بر انتقال حق فسخ تصریح دارد.

ج) حقوق ناشی از شروط قراردادی

شروط ضمن عقد وابسته به عقد است، پس با انتقال عقد، شرط ضمن عقد نیز منتقل می‌شود، مگر شروطی که جنبه شخصی داشته و غیرقابل انتقال باشد و یا منع قانونی داشته باشد.

د) تعهد به پرداخت حق بیمه

در انتقال ارادی قرارداد تمامی تعهدات به همان کیفیتی که در

پرسشی که در اینجا طرح می‌شود آن است که آیا تغییر ذی‌نفع بیمه عمر بدون رضایت ذی‌نفع فعلی مجاز است؟ زیرا با انتقال بیمه‌نامه عمر، ذی‌نفع بیمه نیز تغییر پیدا می‌کند (خود منتقل‌الیه ذی‌نفع می‌شود یا هرکس که او تعیین کند). منشأ طرح این سؤال آن است که در تعهد به نفع ثالث نیز برخی حقوق دانان بر این عقیده‌اند که «مشروط له نمی‌تواند از انجام شرطی که به سود ثالث شده است صرف‌نظر کند یا ذی‌نفع در آن را تغییر دهد، زیرا گفته شد که حق ثالث در اثر قرارداد ایجاد می‌شود. درست است که این حق را دو طرف برای او به وجود آورده‌اند، ولی امکان ایجاد حق به سود ثالث با اختیار از بین بردن آن ملازمه ندارد و به همین جهت دشوار است که بتوان قبول کرد که دو طرف عقد، حتی به وسیله اقاله پیمان اصلی بتوانند حق ثالث را از بین ببرند» (Katouzian, 2005).

نویسنده مذکور هنگام اشاره به ماده ۲۵ و ۲۶ قانون بیمه که اجازه تغییر ذی‌نفع قرارداد بیمه عمر را صراحتاً ذکر کرده، به این توجیه اشاره نموده است که در بیمه عمر فرض قانون‌گذار آن است که دو طرف حقی نامستقر برای منتفع به وجود آورده‌اند؛ حقی معلق که بیمه‌گذار می‌تواند تا زنده است آن را به دیگری بدهد (Taleghani, 2015). برخی نیز تعهدی را که در برخی از اقسام بیمه عمر به نفع شخص ثالث تحقق می‌گیرد این‌طور توجیه کرده‌اند که تعهد به نفع شخص ثالث، نوعی ایقاع جایز است؛ یعنی با وجود اینکه آنچه بین متعاقدين تحقق می‌یابد، یک عقد است، ولی متعهد به نفع شخص ثالث به‌طور یک‌طرفه انشا ایقاع می‌کند و نیازی هم به قبول ثالث ندارد (Pakniat and Gavam, 2021). لذا هر زمان هم بخواهد می‌تواند ایقاع مذکور را از بین ببرد و به نفع شخصی دیگر انشا کند.

به‌عنوان نتیجه این بحث می‌توان چنین استدلال کرد که اولاً صراحت اجازه قانون‌گذار در خصوص امکان تغییر ذی‌نفع بیمه عمر به‌گونه‌ای است که نیاز به سایر دلایل و توجیهات را از بین می‌برد. ثانیاً در خصوص آنکه قرارداد بیمه عمر با نهاد تعهد به نفع ثالث تطبیق کامل داشته باشد می‌توان تشکیک کرد. ثالثاً به فرض پذیرش این تطبیق، حق ذی‌نفع هنوز به‌گونه‌ای مستقر نشده است که ویژگی حق مکتسبه را بیاید و دیگر نتوان تغییری در آن ایجاد کرد. لذا باید گفت که ذی‌نفع بیمه عمر نقشی در قرارداد انتقالی که منعقد می‌شود ندارد و چه بسا که مطلع هم نخواهد شد که حقی برای او ایجاد و سپس از بین رفته است.

آثار قرارداد انتقال بیمه عمر

هر قرارداد برای طرفین آن، حقوق و تعهداتی ایجاد خواهد کرد، در موارد استثنایی ممکن است قرارداد نسبت به ثالث نیز آثاری در پی داشته باشد. بر این اساس در ادامه به بررسی آثار قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر پرداخته می‌شود.

حقوق و تعهدات منتقل‌الیه

عمده‌ترین آثار قرارداد انتقال متوجه منتقل‌الیه می‌شود. تمام

از نظرگاه حقوقی نیز اصل آزادی انتقال قرارداد پذیرفته شده است و جز در موارد استثنایی منعی برای انتقال یک قرارداد که از قبل منعقد شده است به ثالث وجود ندارد. قانونگذار در خصوص قرارداد بیمه به صراحت به امکان انتقال قرارداد اشاره کرده است. لیکن در زمینه بیمه عمر چنین تصریحی در قوانین دیده نمی‌شود. در عین حال شرایط عمومی بیمه‌نامه‌های عمر عمدتاً به امکان انتقال قرارداد بیمه عمر و برخی از قواعد حاکم بر آن اشاره کرده‌اند.

ماهیت قرارداد انتقال بیمه عمر به تناسب قصد و اراده طرفین قرارداد می‌تواند متفاوت باشد، بدین معنا که ممکن است شخصی بخواهد حقوق خود را نسبت به بیمه‌نامه عمری که در اختیار دارد بدون دریافت وجهی به دیگری واگذار کند، درحالی‌که دیگری ممکن است در ازای دریافت وجه چنین کاری را انجام دهد؛ روشن است که قواعد حاکم بر این دو نوع انتقال یکسان نخواهد بود. در عین حال با توجه به شکل مرسوم انتقال بیمه‌نامه عمر که در ازای دریافت مبلغی انجام می‌شود ممکن است از آن با عنوان فروش بیمه‌نامه عمر یاد شود که با توجه به تعریف عقد بیع در قانون مدنی و لزوم عین بودن مبیع، اطلاق چنین عنوانی صحیح نیست. به نظر می‌رسد استفاده از قالب قراردادی عقد صلح مناسب‌ترین شکل برای انتقال قرارداد بیمه عمر باشد اگرچه انعقاد این قرارداد تحت عنوان یک عقد مستقل و بدون نام نیز منعی ندارد. با این توصیف قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر عقدی معوض، لازم و رضایی خواهد بود.

قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر میان بیمه‌گذار و منتقل‌الیه منعقد می‌شود. در خصوص لزوم رضایت بیمه‌شده و بیمه‌گر و یا نقش آنها در انعقاد قرارداد اختلاف نظر وجود دارد. بیمه‌گران تمایل دارند که در انعقاد قرارداد مذکور دخالت داشته باشند و در شرایط عمومی بیمه‌نامه به این موضوع اشاره می‌کنند، اما به نظر می‌رسد هنگامی که قرارداد بیمه عمر منعقد می‌شود به یکی از دارایی‌های بیمه‌گذار تبدیل می‌شود و او حق دارد مانند سایر دارایی‌هایش آن را نقل و انتقال دهد، در نتیجه لزوم قبول بیمه‌گر و یا دخالت اراده وی در انعقاد قرارداد انتقال منتفی است.

بیمه‌شده نقشی در انعقاد قرارداد اولیه بیمه عمر نیز ندارد، اما از آنجاکه عمر وی به‌عنوان ریسک بیمه‌ای در قرارداد مدنظر قرار گرفته است، اگر او از وجود قرارداد مطلع و خواهان فسخ آن شود باید به خواسته او توجه شود. به همین ترتیب در قرارداد انتقال بیمه عمر نیز بیمه‌شده (در فرضی که با بیمه‌گذار یکی نباشد) نقشی در انعقاد قرارداد نخواهد داشت. پیشنهاد می‌شود برای حفظ جان وی از خطرات احتمالی، سازوکارهایی برای مخفی نگه داشتن هویت وی اندیشیده شود.

قرارداد انتقال بیمه عمر برای هر دو ظرف حقوق و تعهداتی را ایجاد می‌کند. بر اثر انعقاد این قرارداد، بیمه‌گذار حق دارد وجه مورد توافق را دریافت کند و ملزم است اقساط معوقه تا زمان انتقال را بپردازد، از دیگر سو منتقل‌الیه وظیفه دارد از زمان انتقال به بعد، حقوق بیمه قراردادی را به بیمه‌گر بپردازد و در ازای این کار، حق دریافت سرمایه بیمه هنگام فوت بیمه‌شده، حق فسخ قرارداد و سایر حقوق

قرارداد آمده از هر حیث اعم از موجد یا حال منتقل می‌شود. تعهد بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه بر اثر انتقال بیمه‌نامه عمر به منتقل‌الیه واگذار می‌شود و پس از انتقال او باید همه تعهدات بیمه‌گذار نسبت به بیمه‌گر را به انجام رساند. بدیهی است در صورت عدم انجام تعهدات قراردادی از جمله پرداخت حق بیمه، منتقل‌الیه با همان ضمانت اجرایی روبه‌رو می‌شود که بیمه‌گذار اولیه ممکن بود با آنها مواجه شود که عمدتاً انجام ندادن تعهدات قراردادی از سوی بیمه‌گر خواهد بود. به بیان دیگر منتقل‌الیه در صورت عدم پرداخت حق بیمه ممکن است از دریافت سرمایه بیمه محروم شود.

حقوق و تعهدات بیمه‌گذار

الف) حق دریافت وجه مورد توافق

دریافت وجهی که به‌عنوان مابه‌ازای واگذاری قرارداد با توافق طرفین تعیین می‌شود، اصلی‌ترین حقی است که بر اثر قرارداد انتقال بیمه‌نامه عمر به بیمه‌گذار تعلق می‌گیرد. براساس ماده ۲۷ قانون بیمه اثرات قانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریخ فوت بیمه‌شده شروع می‌شود، ولی اگر بیمه‌گذار از بابت آن وجهی دریافت کرده یا نسبت به آن با بیمه‌گر معامله کرده باشد در کمال اعتبار خواهد بود.

نکته جالب توجه آن است که از مهم‌ترین ویژگی‌های بیمه عمر معاف بودن این بیمه‌نامه از پرداخت مالیات است، سرمایه‌ای که برای ذی‌نفعان است و یا اندوخته بیمه‌نامه که برای فرد تشکیل می‌شود نیز براساس ماده ۱۳۶ قانون مالیات‌های مستقیم، سرمایه بیمه عمر و همچنین اندوخته حاصل از سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته، تماماً از پرداخت مالیات معاف‌اند. بر این اساس می‌توان درآمد حاصل از انتقال بیمه‌نامه عمر را نیز معاف از مالیات دانست و این امر یکی از مزیت‌هایی است که موجب ترغیب افراد به فروش بیمه‌نامه عمر خواهد شد زیرا درآمدی معاف از مالیات برای ایشان در پی خواهد داشت. همچنین برای سرمایه‌گذارانی که اقدام به خرید بیمه‌نامه می‌کنند نیز این مزیت باعث ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در این زمینه خواهد شد.

ب) تعهد به پرداخت اقساط معوقه

براساس ماده ۸ شرایط عمومی بیمه عمر در صورت انتقال بیمه‌نامه به دیگری ناقل مسئول پرداخت تمامی اقساط حق بیمه معوقه تا تاریخ انتقال در مقابل بیمه‌گر خواهد بود.

جمع‌بندی و پیشنهادها

در نظام حقوقی ایران، قرارداد انتقال بیمه عمر مانند هر قرارداد دیگری باید از جهت اعتبار و مشروعیت، ماهیت قرارداد، نحوه تشکیل و آثار آن بررسی شود. در بررسی انجام‌شده طی این مقاله روشن شد که اعتبار و مشروعیت این قرارداد با مانعی مواجه نیست، زیرا مبانی فقهی متعدد از جمله تأکید شارع بر وفای به عهد و نیز وجود نمونه‌هایی از انتقال قرارداد نظیر انتقال تعهدات قراردادی به ورثه نشان‌دهنده امکان انتقال قرارداد به‌صورت کلی از منظر فقه هستند.

وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر از سوی نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

کپی‌رایت نویسنده (ها) © ۲۰۲۴: این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 اجازه استفاده، اشتراک‌گذاری، اقتباس، توزیع و تکثیر را در هر رسانه یا قالبی مشروط بر درج نحوه دقیق دسترسی به مجوز CC و منوط به ذکر تغییرات احتمالی در مقاله می‌داند. لذا به استناد مجوز یادشده، درج هرگونه تغییرات در تصاویر، منابع و ارجاعات یا سایر مطالب از اشخاص ثالث در این مقاله باید در این مجوز گنجانده شود، مگر اینکه در راستای اعتبار مقاله به اشکال دیگری مشخص شده باشد. در صورت درج نکردن مطالب یادشده و یا استفاده‌ای فراتر از مجوز فوق، نویسنده ملزم به دریافت مجوز حق نسخه‌برداری از شخص ثالث است. به منظور مشاهده مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 به نشانی زیر مراجعه شود:

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

یادداشت ناظر

ناشر نشریه پژوهشنامه بیمه با توجه به مرزهای حقوقی در نقشه‌های منتشر شده بی‌طرف باقی می‌ماند.

منابع

- Ansarinasab, M.; Moradi, H.; almasi, N., (2019). Transfer of contractual rights and obligations to view Imamieh of fegheh. *Islamic. Law.*, 16(63): 187-211 (25 Pages). [In Persian]
- Doherty, N.A.; O'Dea, B.A.; Singer, H.J., (2004). The secondary market for life insurance policies: Uncovering life insurance's "hidden" value. *Marquette Elder's. Advisor.*, 6(1): 95-124 (30 Pages).
- Doherty, N.A.; Singer, H.J., (2003). The benefits of a secondary market for life insurance policies. *Probate. Trusts. J.*, 38(3): 449-478 (30 Pages).
- Hosseinipoor, M., (2019). Personal insurance. Tehran: Insurance research center publication. [In Persian]
- Izanlou, M.; Abbasi Hasouri, M.; Shabani Kandsari, H., (2012). Conventional transfer of contract in the Imamiyaah jurisprudence. *Civ. Jurisprudence. Doctrines. J.*, 4(5): 3-24 (22 Pages). [In Persian]
- Katouzian, N., (2005). Elementary studies in civil law. Enteshar co publication. [In Persian]
- Khandan, A.; Niakan, L.; Fakharinezhad, Z., (2023). Predict-

ناشی از قرارداد را به دست می‌آورد.

با بررسی انجام‌شده تلاش شد تا با استفاده از قواعد و اصول کلی حقوقی در کنار اندک مقررات موجود در خصوص انتقال بیمه عمر، این نهاد شناسایی و مطالعه شود. با این حال با توجه به وجود جزئیات متعدد در فرایند این انتقال که در مرحله عمل قطعاً به بروز اختلاف‌نظرهای بیشتر منجر خواهد شد، ضروری است قانون‌گذار مقررات جامعی را در خصوص بیمه عمر به تصویب برساند. این امر در نهایت می‌تواند زمینه‌ساز گسترش بازار بیمه عمر در ایران شود، زیرا نبود مقررات جامع در خصوص قرارداد بیمه عمر اولیه و نیز قواعد حاکم بر بازار ثانویه این بیمه‌نامه (در صورت شکل‌گیری) می‌تواند از رغبت اشخاص به خرید بیمه‌نامه عمر بکاهد و از سوی دیگر رفع این خلأ می‌تواند بر تعداد مشتریان این بازار بیفزاید.

مشارکت نویسندگان

خدیجه مظفری تدوین و نگارش و تحلیل و جمع‌بندی مقاله را انجام داده است.

تشکر و قدردانی

از پیشنهادهای ارزنده داوران محترم که به غنای بیشتر مقاله افزوده تشکر و قدردانی می‌کنیم.

تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع

- ing term life insurance surrender using deep neural networks. *Iran. J. Insur. Res.*, 12(4): 265-282 (18 Pages). [In Persian]
- Mirzakhani, R., (2022). The status of life insurance in Fiqh contracts. *Res. Lett. Social. Jurisprudence.*, 10(2): 161-188 (28 Pages). [In Persian]
- Moghadam, I., (2007). Cession of contract. *Law. Q.*, 37(4): 229-242 (14 Pages). [In Persian]
- Mohammadi, M.; Boroumand, N.; Shokuhyan, S., (2018). A comparative study of insurable interest in life insurance. *Iran. J. Insur. Res.*, 7(2): 107-128 (22 Pages). [In Persian]
- Pakniat, M.J.; Gavam, M.H., (2021). Designing tradable life insurance policy in secondary market based on Imamiyah jurisprudence. *Islamic. Finance. Res.*, 11(1): 259-290 (32 Pages). [In Persian]
- Taleghani, D., (2015). The confrontation between the principles of law of obligations and the economic requirements regarding the assignment of contract. *Legal. Res. Q.*, 18(69): 141-169 (29 Pages). [In Persian]

پیوست‌ها

ختم شد. اولیور وندل هولمز، قاضی دادگاه عالی، در حکم خود بیمه عمر را به دارایی تشبیه کرد. او معتقد بود که مالک می‌تواند بیمه‌نامه را به اختیار خود منتقل کند و از حیث حقوقی مانند سایر اموالی چون سهام و اوراق قرضه است. علاوه‌براین، وی گفت که حقوقی که از بیمه عمر ناشی می‌شود مانند بخشی از اموال و دارایی‌های شخص است.
۲. ماده ۹ شرایط عمومی بیمه جامع زندگی شرکت بیمه ایران.

۱. یکی از معروف‌ترین دعاوی در این زمینه در سال ۱۹۱۱ در دعوای گریگسی (Grigsby) علیه راسل اتفاق افتاد. جان بورچارد قادر به ادامه پرداخت حق بیمه عمر خود نبود و آن را به پزشک خود، گریگسی فروخت. وقتی بورچارد درگذشت، گریگسی سعی کرد سود مرگ را دریافت کند. وصی بورچارد برای گرفتن پول از گریگسی شکایت کرد و برنده شد. اما پرونده به دیوان عالی کشور

AUTHOR(S) BIOSKETCHES	معرفی نویسندگان
<p>خدیجه مظفری، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ Email: kh.mozafari@alzahra.ac.ir ▪ ORCID: 0000-0003-0594-9787 ▪ Homepage: https://ier.alzahra.ac.ir/Index.aspx 	

HOW TO CITE THIS ARTICLE	QR Code
<p>Mozafari, K., (2024). <i>Legal analysis of assignment contract of life insurance</i>. <i>Iran. J. Insur. Res.</i>, 13(4): 287-298.</p> <p>DOI: 10.22056/ijir.2024.04.01</p> <p>URL: https://ijir.irc.ac.ir/article_160329.html?lang=en</p>	